



حقیقی، حقوقی و موسسات مجاز و انتصاب خود به صورت جعلی به سازمان سنجش؛ با فریب متقاضیان مترصد کلاهبرداری از طعمه‌های خود بود که با حکم قضایی دستگیر شد. براساس تحقیقات انجام شده، مشخص شد آخرین مدرک تحصیلی این متهم صرفا دیپلم بوده و هیچ‌گونه تخصصی در حوزه انتخاب رشته‌های دانشگاهی نداشته و این اقدام وی صرفا به قصد کلاهبرداری بوده است.

بنابر اعلام پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فتا، سرهنگ پاشایی در ادامه به داوطلبان مجاز انتخاب رشته

کنکور سراسری سال ۱۴۰۳ توصیه کرد: به هیچ عنوان به تبلیغات فریبنده منتشر شده در فضای مجازی توجه نکنند و در صورت نیاز به مشاوره صرفا از طریق موسسات قانونی و مجاز و صاحب اعتبار اقدام کنند.

رئیس مرکز امداد و فوریت‌های سایبری پلیس فتای فراجا با اشاره به این‌که افراد متقاضی می‌بایست جهت کسب اطلاعات دقیق تنها از سایت sanjesh.org استفاده کنند، خاطر نشان کرد: عموم مردم می‌توانند در صورت مشاهده موارد مجرمانه و مشکوک موارد را از طریق سرشماره ۰۹۶۳۸۰ با پلیس فتای سراسر کشور در میان بگذارند.



# خیانت زن برای

## شوهرکشی

ماجرای همسرکشی زن خیانتکار، خاطره‌ای است که این هفته از زبان یکی از کارآگاهان جنایی روایت کرده‌ایم



یک روز گرم تابستانی در اداره ویژه جرائم جنایی یکی از شهرهای شرقی کشور مشغول بررسی پرونده‌های قتل دو هفته گذشته بودم، حوالی ساعت ۱۲ مامور یکی از کلانتری‌های شهر تماس گرفت و گفت جناب سروان یک آتش سوزی در خانه‌ای ویلایی رخ داده و جسد سوخته‌ای در اتاق خواب کشف شده است. آتش‌نشانان که آتش را خاموش کرده‌اند، می‌گویند این آتش سوزی مشکوک و احتمالا عمدی است. آدرس را گرفتم و سریع به محل حادثه رفتم. خیابان خیلی شلوغ بود و مردم زیادی تجمع کرده بودند. محل حادثه یک خانه دو طبقه ویلایی بود که طبقه اول کامل سوخته بود. وارد خانه شدم بوی سوختگی و کمی بنزین، مشام را اذیت می‌کرد.

کف اتاق خواب جسد سوخته یک مرد افتاده بود. فرمانده آتش‌نشانان جلو آمد و گفت بوی بنزین در این حریق به مشام می‌رسد و نوع سوختن جسد به ما نشان می‌دهد احتمالا حریق عمدی است. و به همین خاطر موضوع را به کلانتری اعلام کردیم. برخی وسایل اتاق خواب بر اثر سوختگی کامل پودر و برخی وسایل نزدیک در خروجی سالم است که نشان می‌دهد حریق از داخل اتاق خواب شروع شده است. با دستور بازپرس جنایی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و من بررسی صحنه و تحقیقات را شروع

کردم. از زمان ورود خونسردی همسر مرد سوخته شده نظرم را جلب کرد. از او خواستم که توضیح دهد. زن جوان گفت صبح به دکتر زنان رفتم که ساعتی بعد همسایه‌ها تماس گرفتند و گفتند که خانه آتش گرفته و من هم سریع به سمت خانه بازگشتم.

هنگام بررسی صحنه قتل متوجه شدم که شیر بنزین یک موتورسیکلت که در حیاط بود باز است، اما به روی خودم نیاوردم و فقط موضوع را به بازپرس گفتم.

ساعت ۵ عصر با پایان یافتن بررسی صحنه به خانه بازگشتم. تا قبل خواب فقط حرف‌های زن جوان، فرمانده آتش‌نشانی و باز بودن شیر بنزین موتور را تجزیه و تحلیل می‌کردم.

سه روز بعد پزشکی قانونی اعلام کرد علت اصلی مرگ مرد جوان فشار به عناصر حیاتی گلو بوده و بعد از مرگ جسد آتش زده شده است.

سریع با بازپرس هماهنگ کرده و همسر مقتول را بازداشت کردم تا شاید راز این جنایت را کشف کنم.

زیبا ۲۶ ساله که مدعی بود بلاگر است، وقتی روبه‌رویم نشست آرام بود و سرش پایین، از او خواستم واقعیت را بگوید که گفت: شوهرم مرد عصبی بود و همیشه دعوا داشتیم. روز قبل مرگش با یکدیگر دعوا کردیم و من دست دخترم را گرفتم و به حالت قهر به خانه پدرم رفتم. صبح فردا به دکتر زنان رفتم و آنجا بودم که همسایه‌ها خبر دادند که خانه آتش گرفته، فکر کنم محمود خانه و خودش را به آتش کشیده است.

به رویش نیاوردم که می‌دانم شوهرش به قتل رسیده است. بازجویی را تمام کردم و او را به بازداشتگاه فرستادم. دو بار دیگر بازجویی کردم که همین حرف‌ها را تکرار کرد.

روز چهارم بازداشت برگه گزارش پزشکی قانونی را جلوی چشم گذاشتم و خواستم گزارش را بخواند که انگار از درون فرو ریخت. اشک‌ها از گونه‌هایش سرازیر شد و کم‌کم تبدیل به هق‌هق شد. یک لیوان آب برایش ریختم و خواستم واقعیت را بگوید.

زیبا که راه فراری نداشت شروع به حرف زدن کرد و گفت: به خاطر بدرفتاری‌ها و تنک‌کاری‌های شوهرم دیگر نمی‌توانستم او را تحمل کنم به همین دلیل با پسر ۲۴ ساله‌ای در اینستاگرام آشنا شدم و مشکلات زندگی‌ام را برایش بازگو کردم تا این‌که نقشه قتل شوهرم را کشیدیم. او به من قول داد که شوهرم را خیلی راحت از سر راهم برمی‌دارد و من می‌توانم نفس راحتی بکشم.

جاوید به من گفت با گاز شیمیایی شوهرم را می‌کشد و کسی نمی‌تواند متوجه ماجرا شود و من هم قبول کردم. نیمه‌شب در را باز کردم و پسر جوان وارد خانه شد و به اتاق خواب رفت، چند دقیقه بعد دیدم صدای درگیری می‌آید. جاوید وقتی می‌خواست همسرم را با گاز شیمیایی به قتل برساند همسرم متوجه و بیدار شده بود. او هم گلولی محمود را فشار داد تا این‌که شوهرم نیمه‌جان شد. من هم کمکش کردم تا این‌که شوهرم بی‌جان کف زمین افتاد. وقتی مطمئن شدم مرده است، دنبال راه فرار بودم که به پیشنهاد جاوید به خانه پدرم رفتم و او قول داد جسد را از بین می‌برد. طبق نقشه؛ من صبح به دکتر رفتم، اما همسایه‌ها تماس گرفتند که خانه آتش گرفته و خودم را به آنجا رساندم.

بعد از اعترافات زن بلاگر، موضوع را به بازپرس جنایی گفتم و دستور داد خیلی زود پسر جوان را دستگیر کنیم. آدرسش را گرفته و ساعت ۶ عصر سراغش رفتم و هنگامی که قصد بازگشت به خانه را داشت دستگیرش کردم.

پسر ۲۴ ساله صبح روز بعد روبه‌رویم نشست و وقتی زیبا را با دستبند دید، فهمید همه چیز لو رفته و رازش را برملا شده به همین خاطر شروع به اعتراف کرد و گفت: فکر می‌کردم با گازهای شیمیایی می‌شود شوهر او را به قتل برسانیم. زیبا همیشه از سختی‌ها و مشکلات و اختلافات زندگی‌اش برایم می‌گفت و من هم تحت تاثیر قرار گرفتم. شبانه وارد خانه او شدم و سر وقت شوهرش رفتم که هنگام اجرای نقشه با من درگیر شد، با دستانم گلویش را فشردم تا این‌که خفه شد. بعد هم برای این‌که صحنه‌سازی کنیم از موتور داخل حیاط بنزین کشیدم و خانه را آتش زدم که همه فکر کنند این مرد خودکشی کرده، اما نمی‌دانستم در کمتر از یک هفته همه نقشه‌هایمان لو می‌رود و دستگیر می‌شویم.

پرونده را تکمیل کردم و برای بازپرس فرستادم. اما هنوز برایم سوال است چرا باید یک عشق مجازی به جنایت ختم شود و تعهد در زندگی جای خود را به رابطه‌های خارج عرف بدهد که پایانی تلخ دارد.